

Analysis of Stylistic Function of the Verb in Rubaiyat of Omar Khayyam

Ali Sabbaghi *

Associate Professor of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Arak University, Arak
Iran, a-sabaghi@araku.ac.ir

Tahere Mirhashemi

Assistant Professor of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Arak University, Arak
Iran, t-mirhashemi@araku.ac.ir

Abstract

The essential part and core of the predicate in Persian grammar is the verb, i.e. one of the pivots of stylistic analysis in the syntactic layer of language. This research analyses the role and stylistic function of verbs in Rubaiyat of Omar Khayyam. The questions that are going to be answered in this essay are, firstly, what are the pivotal characteristics of the verb in Rubaiyat of Omar Khayyam?, secondly, how is the frequency of the features of the verbs in Rubaiyat of Omar Khayyam?, thirdly, how the important characteristics of the verb is united with the style and content of Rubaiyat of Omar Khayyam? In the first place, in order to answer the research questions, the verbs in Rubaiyat of Omar Khayyam were extracted inductively. Then, the pivotal characteristics of the verbs were described in terms of grammar. Finally, the link between verbs and speculative style of Rubaiyat of Omar Khayyam was analyzed. The result of this study indicates that, in terms of time, the verbs in Rubaiyat of Omar Khayyam are attached to the present time, and they are in line with Khayyam who gains ground. In terms of the verb moods, in the first place, indicative mood is mainly to express the certainty of the message of the Rubaiyat and secondly, the imperative mood is to invite the addressee to live blissfully. In terms of the subject, mostly third person is used to attract the addressee to see the reality of essence and the surrounding world and referral to the external world. Most of the verbs are transitive and the collocation of the sentence structural components aims at a clear-cut and direct representation of the sentence message.

Keywords: Rubaiyat of Omar Khayyam, Stylistic, Persian Grammar, Verb

* Corresponding author

فصل‌نامه متن‌شناسی ادب فارسی (علمی- پژوهشی)
معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان
سال پنجاه و چهارم، دوره جدید، سال دهم
شماره چهارم (پیاپی ۴۰)، زمستان ۱۳۹۷، صص ۵۷-۶۹
تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۲/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۲۱

تحلیل کارکرد سبک‌شناختی فعل در رباعیات خیام نیشابوری

علی صباغی* - طاهره میرهاشمی**

چکیده

فعل رکن اصلی و هسته بخش گزاره در دستور زبان فارسی و یکی از محورهای تحلیل سبکی در لایه نحوی زبان است. در این گفتار، نقش و کارکرد سبک‌شناختی افعال در رباعیات عمر خیام نیشابوری بررسی و تحلیل می‌شود. نگارندگان در این جستار در پی پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها هستند: (۱) ویژگی‌های کلیدی فعل در رباعیات خیام چیست؛ (۲) بسامد ویژگی‌های افعال در رباعیات خیام چگونه است؛ (۳) چگونه ویژگی‌های مهم فعل با سبک فکری و محتوای رباعیات خیام پیوند یافته است. برای پاسخ به این پرسش‌ها ابتدا افعال رباعیات خیام به روش استقرای تام استخراج و ویژگی‌های کلیدی فعل از نظر دستور زبان توصیف می‌شود؛ سرانجام پیوند میان افعال و لایه اندیشگانی سبک در رباعیات خیام تحلیل خواهد شد. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد افعال رباعیات خیام از نظر زمانی متعلق به زمان حال و همسو با دم‌غنیمت‌شماری خیام است. از نظر وجه فعل نیز به‌طور کلی در مرتبه نخست، از وجه خبری برای بیان قطعیت پیام در رباعی و در مرتبه دوم از وجه امری برای دعوت مخاطب به زیستن با خوشی استفاده شده است. از نظر شخص نیز شاعر بیشتر، از سوم شخص برای جلب توجه مخاطب به دیدن واقعیت هستی و جهان پیرامون و ارجاع به جهان بیرونی بهره می‌برد. از نظر گذر، بیشتر افعال از نوع گذراست. همچنین همنشینی اجزای ساختاری جمله در خدمت نمایش آشکار و مستقیم پیام جمله است.

واژه‌های کلیدی

رباعیات عمر خیام نیشابوری؛ سبک‌شناسی؛ دستور زبان فارسی؛ فعل

۱- مقدمه

ابوالفتح (ابوحفص) عمر بن ابراهیم خیام نیشابوری (۴۳۹-۱۱۷۵ق) از سخنوران ایران در نیمه دوم سده پنجم و اوایل

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اراک، ایران (نویسنده مسئول) a-sabaghi@araku.ac.ir

** استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اراک، ایران t-mirhashemi@araku.ac.ir

سده ششم هجری است. از خیام اشعار اندکی به جای مانده است و در روزگار معاصر، در مقایسه با چهره برجسته علمی او، به سیمای شاعری خیام بیش‌ازپیش توجه می‌شود و درباره آن پژوهش شده است. جایگاه علمی او در روزگارش به پایه‌ای بود که او را در حکمت، پیرو ابوعلی سینا دانسته‌اند؛ همچنین در احکام نجوم، گفتارش را مسلم می‌دانستند و در اموری مانند ترتیب رصد و اصلاح تقویم به او مراجعه می‌کردند (صفا، ۱۳۶۹، ج ۲: ۵۲۷). خیام نیشابوری در تاریخ ادبیات فارسی در کنار سیمای فلسفی و ریاضی و نجومی، چهره‌ای ادبی و شاعری رباعی‌سراسر است. در این جایگاه، نام و آوازه جهانی دارد؛ البته در شمار و کیفیت رباعیات او میان پژوهشگران اختلاف نظر بسیار است. محققان از سویی شمار رباعیات خیام را بسیار اندک و در حدود ۱۶، ۶۶ تا ۱۷۸ و البته گاهی حتی تا ۳۵۰۰ رباعی برآورد کرده‌اند (خیام، ۱۳۸۳: ۹؛ صفا، ۱۳۶۹، ج ۲: ۵۲۹)؛ از سوی دیگر برخی از ایشان درباره مفاهیم و محتوای رباعی‌های او آرای متضادی بیان کرده‌اند^۱ و خیام را در سیمای شاعری دهری مسلک، پوچ‌گرا، لذت‌جوی و عشرت‌طلب تا صوفی مسلک و اهل عرفان معرفی کرده‌اند. به هر روی خیام نیشابوری با هر تعداد رباعی و با هر چهره‌ای که مجسم شود یکی از رباعی‌سرایان نامدار و صاحب سبک در تاریخ شعر فارسی است.

برخی سبک را به مفهوم گزینش هنرمند از قلمرو زبان و کاربرد مکرر انتخاب‌ها در موقعیتی خاص برای نمایش محتوایی ویژه برای رسیدن به فردیت معرفی کرده‌اند؛ برپایه این تعریف می‌توان گفت خیام از انتخاب واژه‌ها در محور جانشینی یا متداعی تا چینش عناصر زبانی در محور همنشینی یا جمله‌بندی، سبکی خاص برای انتقال اندیشه اصلی رباعیاتش دارد؛ به گونه‌ای که رباعیات بسیار زیادی را باتکیه بر این ویژگی‌ها می‌توان رباعیات خیامی یا خیامانه نامید. بررسی کاربرد فعل در رباعیات خیام یکی از محورهایی است که در تحلیل سبک زبانی رباعیات خیام همسو با اندیشه خیامی است و نظر پژوهشگران را از چشم‌انداز سبک زبانی تأیید می‌کند.

فعل کلیدی‌ترین عضو جمله است و مهم‌ترین رکن گزاره در دستور زبان فارسی است که هسته بخش گزاره در جمله به شمار می‌رود. درباره تعریف فعل و ویژگی‌های آن به‌طور گسترده در کتاب‌های دستور زبان فارسی بحث شده است. اختلاف نظر دستورنویسان درباره فعل برخاسته از دو نگرش است: برخی در تعریف فعل، ساختار صرفی آن را مبنا قرار داده‌اند و گروهی به کاربرد نحوی آن پرداخته‌اند؛ این اختلاف نظر زمانی بیشتر می‌شود که دستورنویسی سنتی و دستورنویسی زبانشناختی و جدید رودرروی هم قرار می‌گیرد. آنچه در این جستار مبنای پژوهش نگارندگان است تعریفی تلفیقی و متناسب با مباحث سبک‌شناختی در لایه نحوی زبان است.

در تعریف تلفیقی می‌توان گفت فعل کلمه‌ای است که انجام گرفتن کاری یا بودن و یا داشتن و یا پذیرفتن حالتی را در یکی از زمان‌های گذشته، حال یا آینده می‌رساند و در جایگاه مسند می‌نشیند و یا مسند را به نهاد نسبت می‌دهد^۲ (احمدی گیوی، ۱۳۸۰: ۵۶). فعل یکی از اقسام کلمه است و ویژگی‌هایی دارد که نمودار هویت آن کلمه است و آن را از سایر اقسام کلمه در دستور زبان فارسی متمایز می‌کند. در کتاب‌های دستور زبان فارسی، درباره ویژگی‌های فعل اختلاف نظر وجود دارد؛ برای نمونه خانلری هشت ویژگی، وحیدیان کامیار و عمرانی زاده شش ویژگی، ماهوتیان ده معیار، احمدی گیوی پانزده نمایه، فرشیدورد شش ویژگی و... برای فعل برشمرده‌اند. سبب اختلاف نظر در تعداد معیارهای ویژه فعل در دستور زبان فارسی متعدد است؛ یکی تلفیق برخی معیارها و ویژگی‌ها با هم است؛ مثلاً تلفیق شخص و شمار با هم (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۳۷۸) یا تلفیق تکواژ بُن با معیار زمان (وحیدیان کامیار و عمرانی، ۱۳۸۵: ۳۳) یا ترکیب ویژگی‌های شخص، شمار، زمان و مفهوم فعل در جایگاه یک ویژگی (احمدی گیوی، ۱۳۸۰: ۵۷) و دیگری

تفکیک یا تلفیق ویژگی‌های صرفی و معنایی و کاربردی در زبان است؛ مانند داشتن فهرست باز، آمدن در پایان جمله، نگرفتن نشانه جمع و... (ماهویتیان، ۱۳۸۷: ۱۲۹) یا گرفتن پیش‌واژک «می»، «همی»، «ب»، «م» و «ن» در جایگاه چهار ویژگی (احمدی گیوی، ۱۳۸۰: ۵۸) که در دیگر منابع دستوری، یک معیار در نظر گرفته شده است. افزون بر اختلاف نظر در توصیف ویژگی‌های فعل در منابع دستوری در تعریف و توضیح برخی ویژگی‌های دیگر فعل نیز اختلاف هست؛ مثلاً وجه فعل گاهی شش وجه (قریب و دیگران، ۱۳۷۱: ۱۶۱)، گاهی چهار وجه (ناتل خانلری، ۱۳۵۹: ۳۰-۳۲) و در بیشتر منابع به سه وجه محدود شده است.^۳ نویسندگان مقاله چهار ویژگی تعیین‌کننده در تحلیل محور نحوی سبک را برگزینند که در بیشتر کتاب‌های دستوری، معیار است. این‌گزینه‌ها با توجه به اختلاف نظر دستورنویسان درباره معیارهای فعل و برتری برخی از ویژگی‌های فعل در پیوند دستور زبان با محور نحوی سبک‌شناسی بوده است. در نتیجه با تکیه و تأکید بر معیارهای زمان، شخص، وجه و جهت، رباعیات خیام بررسی و تحلیل می‌شود.

نگارندگان برای پرهیز از تکرار گفتار پژوهشگران و ورود به عرصه اختلاف نظر ایشان در کمیت و کیفیت رباعیات خیام، کتاب بررسی انتقادی رباعیات خیام (۱۲۱ رباعی) را برای جامعه آماری برگزیدند و آن را مبنای ارجاع و استناد به کار بردند. این اثر به اهتمام آرتور کریستن سن (Arthur Christensen) تألیف و تصحیح و با ترجمه فریدون بدره‌ای منتشر شده است.

در این پژوهش برای دستیابی به پاسخ پرسش‌های زیر، افعال رباعی‌های خیام تحلیل می‌شود:

الف) شاخصه‌های کلیدی فعل در رباعیات عمر خیام کدام است؟

ب) بسامد ویژگی‌های افعال رباعیات عمر خیام چگونه است؟

ج) همسویی و پیوند ویژگی‌های افعال رباعیات با محور اندیشه و محتوای رباعیات چگونه است.

نگارندگان کوشیده‌اند تا پلی میان مباحث دستور زبان فارسی درباره فعل و تحلیل سبک‌شناختی فعل در محور نحوی سبک ایجاد کنند.

۱-۱ پیشینه پژوهش

پژوهش در حوزه دستور زبان فارسی به شیوه امروزی سابقه‌ای یکصد و پنجاه ساله دارد و از زمان تألیف دستور سخن میرزا حبیب اصفهانی (۱۲۸۷ ق) تاکنون رو به رشد بوده است. کتاب‌ها و مقالات بسیاری در این زمینه در دسترس است. تحقیق درباره دستور زبان فارسی به اندازه‌ای رونق گرفته که کتاب‌شناسی مستقلی درباره این علم تدوین شده است.^۴ درباره سبک و سبک‌شناسی نظم و نثر نیز آثاری به زبان فارسی تألیف و ترجمه شده است که بیشتر درباره سبک دوره و یا مبانی نظری سبک‌شناسی است؛ از مهم‌ترین آنها عبارت است از: سبک‌شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی (۱۳۲۶-۱۳۲۱) از محمد تقی ملک‌الشعراء بهار، سبک خراسانی در شعر فارسی (۱۳۴۵) از محمدجعفر محجوب، فن نثر (۱۳۶۶) از حسین خطیبی، کلیات سبک‌شناسی (۱۳۷۲) از سیروس شمیسا، سبک‌شناسی شعر پارسی از رودکی تا شاملو (۱۳۷۷) از محمد غلامرضایی و سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روشها (۱۳۹۱) از محمود فتوحی و... .

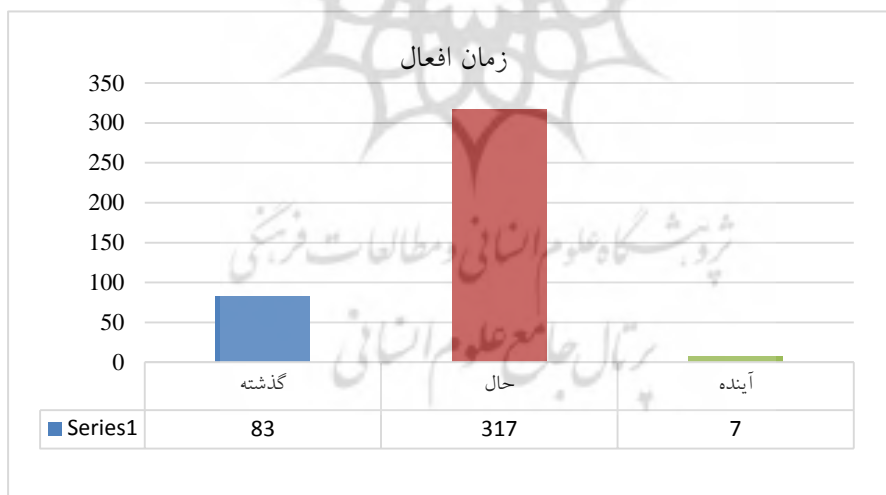
درباره حکیم عمر خیام نیشابوری و تصحیح آثار، ترجمه احوال و رباعیات او، کتاب‌ها و مقاله‌های پرشماری به رشته تحریر درآمده است که نام و نشان آنها در قالب کتاب‌شناسی مستقلی منتشر شده است.^۵ با وجود منابع بسیار و در دسترس درباره کلیدواژه‌های این پژوهش، نگارندگان نتوانستند به کتاب یا مقاله‌ای دست یابند که به‌طور عملی، افعال رباعیات خیام نیشابوری را در لایه نحوی سبک تحلیل کرده باشد.

۲- بحث

بعد از آنکه ادوارد فیتز جرالدر رباعیات خیام را اقتباس و بازآفرینی کرد، جهانیان به رباعیات این حکیم دانشمند توجه کردند و در روزگار معاصر، خیام‌پژوهی رونق بسزایی یافت. این پژوهش‌های ادبی را در موضوعات متعددی می‌توان طبقه‌بندی کرد؛ از آن جمله است: تحقیق در تاریخ احوال و آثار، تعداد، محتوا، ترجمه، تصحیح انتقادی و نقد رباعیات. تحقیقاتی که به درونمایه و نقد محتوایی رباعیات خیام توجه دارد، گزاره‌هایی انشایی است که هر پژوهشگری باتوجه‌به شناختش از خیام بیان کرده است و در بیشتر اوقات نیز مخاطبان را اقناع می‌کند. در این مقاله تلاش شده است که نظریه‌های پژوهشگران از دریچه تحلیل ویژگی‌های کلیدی افعال رباعیات خیام آزموده شود؛ به همین سبب افعال رباعیات به شیوه استقرایی استخراج و در چهار محور زمان، شخص، جهت و وجه تجزیه و تحلیل شده است.

۱-۲ زمان

مفهوم زمان در دستور زبان فارسی یکی از ویژگی‌های اصلی فعل است که افعال به آن نامیده می‌شود؛ مانند حال اخباری، گذشته استمراری، آینده و... این برداشت از زمان با معنای زمان تقویمی یا نجومی متفاوت است و نکته‌ای که دست‌نویسان به آن تأکید دارند انطباق‌نداشتن یک‌به‌یک مفهوم زمان تقویمی با زمان دستوری است. زمان نجومی مفهومی دقیق و مطلق و تغییرناپذیر است که مبدأ سنجش و اندازه‌گیری دارد؛ اما زمان دستوری مفهومی نسبی است که مبدأ سنجش آن، زمان حال (هنگام تکلم) است (شفایی، ۱۳۶۳: ۷۵). برپایه یک تقسیم‌بندی کلی زمان افعال زبان فارسی به سه گونه گذشته و حال و آینده طبقه‌بندی می‌شود. فراوانی افعال برپایه زمان در رباعیات خیام چنین است: زمان حال با ۷۷/۸۹ درصد؛ زمان گذشته با ۲۰/۴۰ درصد؛ زمان آینده با ۱/۷۱ درصد.



نمودار شماره ۱: بسامد زمان افعال در رباعیات خیام

بنابر داده‌های به دست آمده می‌توان گفت خیام در بیان گزاره‌های متنی با استفاده از زمان حال از فاصله خود با موضوع و محتوای رباعی بسیار کاسته است و به نوعی واقع‌گرایی و بیان موضوع از تجربه زیستی خود پرداخته است:

این قافله عمر عجب می‌گذرد درباب دمی که با طرب می‌گذرد

ساقی غم فردای حریفان چه خوری پیش آر پیاله را که شب می‌گذرد

(خیام، ۱۳۷۴: ۱۰۴)

در دم زیستن و غنیمت دانستن نقد حال، شعار محوریِ دنیای شاعرانه در رباعیات خیامی است. شاعر گذر برق‌آسای عمر و مطمئن نبودن به فردا و آینده را خود زیسته و به تجربه در جهان پیرامونش درک کرده است؛ بنابراین مخاطب را به بهره‌گیری از لحظه‌لحظهٔ عمر و لذت هستی فرامی‌خواند و او را هشیار می‌کند. این رخدادها تجربهٔ پیشین شاعر و بیان آیندهٔ قطعی آدمی است که در رباعیات با افعال زمان حال بیان شده است؛ زیرا «فعل مضارع ارتباط فوری و بی‌واسطه با واقعیت دارد و بیشتر از گذشته قطعیت دارد» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۹۱).

افعال گذشته در رباعیات خیام بیشتر از نوع ماضی ساده است که چندان از زمان حال دور نیست؛ اما چون فعل رخ داده و به فرجام رسیده است شاعر در جایگاه مقدمه و پیش‌درآمد از آنها بهره می‌برد و در مصرع آخر نتیجه می‌گیرد:

دی کوزه‌گری بدیدم اندر بازار بر تازه گلی لگد همی زد بسیار
وان گل به زبان حال با او می‌گفت من همچو تو بوده‌ام مرا نیکو دار
(خیام، ۱۳۷۴: ۱۵۵)

خیام گذشته را بازگشت‌ناپذیر و از دست رفته می‌داند و به زمان آینده نیز اعتمادی ندارد؛ زیرا دور از دسترس و نسیه است؛ بنابراین چنین می‌گوید:

دریاب که از روح جدا خواهی رفت در پردهٔ اسرار فنا خواهی رفت
می‌نوش ندانی ز کجا آمده‌ای خوش باش ندانی که کجا خواهی رفت
(همان: ۱۰۲)

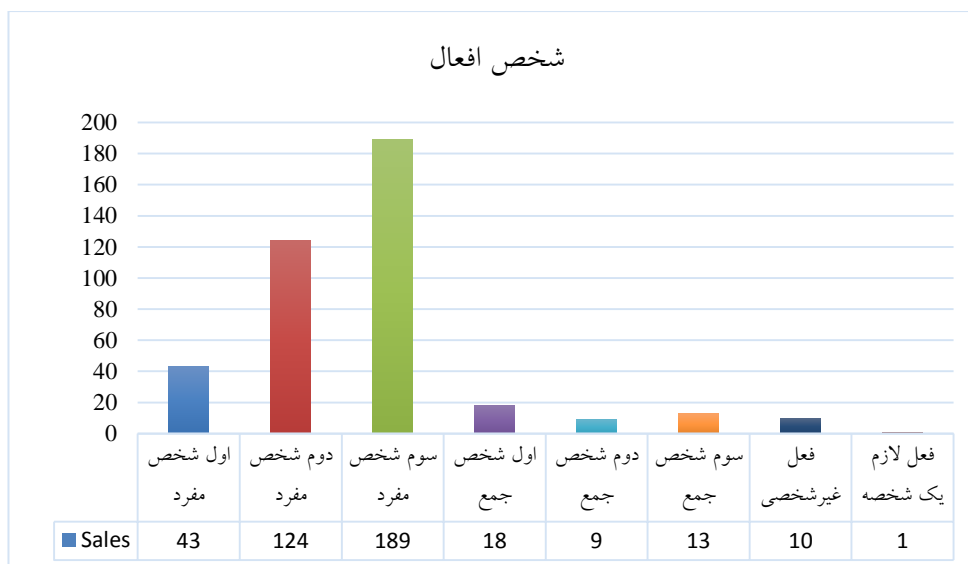
بسامد کاربرد فعل زمان حال در رباعیات خیام، بیانگر دم‌غنیمت‌شماری و در لحظه خوش‌زیستن از دید شاعرانهٔ اوست. زمان بازنمایی شده و گزارش شده در متن رباعیات خیام دو پاره است؛ یک بهرهٔ آن رنج آور و زودگذر و کوتاه است که این بهره یا در زمان گذشته بوده و از دست رفته است و یا در زمان آینده بی‌تضمین و نامعلوم دور از دسترس قرار دارد؛ بهرهٔ دیگر همین زمان حال و جاری است که برای از بین بردن رنج گذشته و ابهام آینده، نقد حال را سرخوشانه باید زیست.

۲-۲ شخص

موضوع دستوری شخص برای نشان‌دادن تمایز نقش شرکت‌کنندگان در یک گفتگوست و در زبان فارسی به اول شخص (گوینده)، دوم شخص (مخاطب) و سوم شخص (غایب) در شکل مفرد یا جمع طبقه‌بندی می‌شود. در رباعیات خیام سه ساخت مفرد فعل (۸۷/۵ درصد کل افعال) نسبت به ساخت جمع کاربرد بیشتری دارد. کاربرد افعال با شخص مفرد، به نوعی گرایش به فردیت را در شخصیت شاعر نمایان می‌کند. خیام گویی صدایی مفرد و یگانه در برابر صدای جمعی و حاکم روزگار خویش است و به همین سبب هر جا از باوری جمعی سخن می‌گوید بی‌درنگ نظر خود را بیان می‌کند و مخاطبش را به همراهی و همدلی با خود فرامی‌خواند:

گویند مرا که دوزخی باشد مست قولی است خلاف دل در آن نتوان بست
گر عاشق و مست دوزخی خواهد بود فردا بینی بهشت را چون کف دست
(همان: ۹۸)

درصد کاربرد اشخاص فعل در رباعیات خیام برپایهٔ داده‌های به دست آمده عبارت است از: اول شخص مفرد ۱۰/۵۶ درصد، دوم شخص مفرد ۳۰/۴۷ درصد، سوم شخص مفرد ۶۶/۴۴ درصد، اول شخص جمع ۴/۴۲ درصد، دوم شخص جمع ۲/۲۱ درصد، سوم شخص مفرد ۳/۱۹ درصد.



نمودار ۲: بسامد شخص افعال در رباعیات خیام

خیام در کاربرد فعل اول شخص مفرد بیشتر، از تجربه و نگرش خود سخن گفته است که به نوعی حدیث نفس و بیان عاطفی (emotive function) است. در کاربرد فعل اول شخص جمع نیز دیدگاه خیام، دیگران را با خود همراه می‌کند:

گر آمدنم به من بدی نامدمی
 ورنیز شدن به من بدی کی شدمی
 به زان نبدی که اندرین کون و فساد
 نه آمدمی نه شدمی نه بدمی
 (همان: ۱۲۰)

ای دوست بیا تا غم فردا نخوریم
 وین یک‌دمه عمر را غنیمت شمیریم
 فردا که از این دیر کهن درگذریم
 با هفت هزار سالگان همسفریم
 (همان: ۱۱۳)

شاعر در استفاده از فعل دوم شخص در پی آن است که پس از مقدمه‌چینی، مخاطب را با خود همداستان کند؛ وی را برانگیزد و از نقش ترغیبی زبان (conative function) بهره‌گیرد:

اسرار ازل را نه تو دانی و نه من
 وین حرف معما نه تو خوانی و نه من
 هست از پس پرده گفتگوی من و تو
 چون پرده برافتد نه تو مانی و نه من
 (همان: ۱۹۷)

خواهی که اساس عمر محکم یابی
 یک چند به عالم دل بی‌غم یابی
 فارغ منشین ز خوردن باده دمی
 تا لذت عمر خود دمامد یابی
 (همان: ۲۰۶)

چون فوت شوم به باده شوید مرا
 تلقین ز شراب و جام گوید مرا
 خواهید به روز حشر یابید مرا
 در خاک در میکده جوید مرا
 (همان: ۱۶۳)

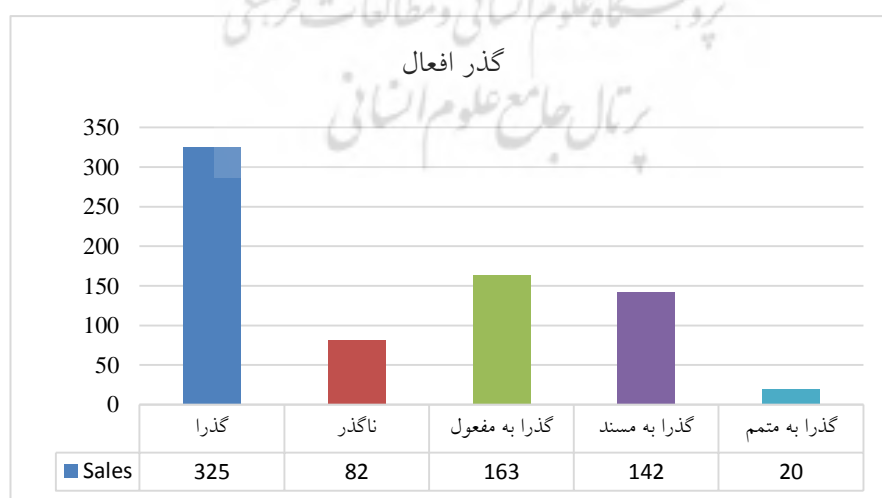
خیام در ساخت سوم شخص، خبری را بازمی‌گوید که گویی مخاطب از آن بی‌خبر است و یا به آن توجهی ندارد. در اینجا بیشتر به نقش ارجاعی زبان (referential function) گرایش دارد؛ در بخش‌های بسیاری می‌توان این کاربرد فعل را به فعل دوم شخص با نقش ترغیبی تأویل کرد:

بر چهره گل نسیم نوروز خوش است	در زیر چمن روی دل‌افروز خوش است
از دی که گذشت هر چه گویی خوش نیست	خوش باش و ز دی مگو که امروز خوش است
(همان: ۱۱۰)	
ابر آمد و زار بر سر سبزه گریست	بی باده گلرنگ نمی‌شاید زیست
این سبزه که امروز تماشاگه ماست	تا سبزه خاک ما تماشاگه کیست
	(همان: ۱۷۶)

شاعر با کاربرد افعال سوم شخص مفرد، خبری درباره فصل بهار و سرسبزی طبیعت می‌دهد و به مخاطب هشدار می‌دهد که پیش از درگذشتن و خاک‌شدن از این زمان بهره گیرد. خیام گیرنده پیام رباعی را با فعل غیرشخصی - نمی‌شاید زیست (بی می عمر را سپری مکن) - به باده دعوت می‌کند.

۲-۳ جهت

در جمله‌های عادی زبان، وجود دو عضو برای شکل‌گیری یک جمله کامل دو جزئی (کوتاه‌ترین شکل جمله) لازم است. این نوع جمله‌ها فعل ناگذر دارد؛ یعنی فعل جمله تنها به نهاد نیازمند است و عمل فعل در نهاد متوقف می‌شود؛ اما در جمله‌های بیش از دو جزء، فعل افزون‌بر نهاد به واحد زبانی ضروری دیگری هم نیاز دارد تا خبری کامل و بدون ابهام ارائه شود؛ این افعال گذرا نامیده می‌شود. از نظر سبکی، ارجاع فعل به نهاد کنش‌پذیر به صدای دستوری منفعل خواهد شد و فراوانی افعال گذرا و ارجاع‌شده به نهاد کنشگر صدای دستوری متن را فعال و آن را پویا می‌کند. در افعال رباعیات خیام، ۷۹/۵۸ درصد افعال گذرا، ۲۰/۱۵ درصد افعال، ناگذر است و در میان افعال گذرا بسامد گذرا به مفعول ۴۰/۰۵ درصد، گذرا به مسند ۳۴/۸۹ درصد و گذرا به متمم ۴/۹۱ درصد است.



نمودار ۳: بسامد گذر افعال در رباعیات خیام

در رباعیات خیام ساختار متعارف فعل مجهول وجود ندارد؛ تنها در پنج شاهد فعل رباعی از نظر دستوری معلوم است؛ ولی چون نهاد کنشگر آن آشکار نیست، شبه‌مجهول شده است:

گویند بهشت و حور عین خواهد بود آنجا می و شیر و انگبین خواهد بود
پس بی می و معشوق نباید بودن چون عاقبت کار همین خواهد بود
(همان: ۹۱)

در رباعیات خیام همه فعل‌ها معلوم و عمل فعل به نهاد نسبت داده شده است؛ یعنی شاعر از جایگاه اطلاع و مسلم‌انگاشتن محتوای پیام با مخاطب سخن می‌گوید:

ابر آمد و زار بر سر سبزه گریست بی باده گلرنگ نمی‌شاید زیست
این سبزه خود امروز تماشاگاه ماست تا سبزه خاک ما تماشاگاه کیست
(همان: ۱۷۶)

خیام در رباعیات شگردی برای فعال‌کردن صدای متن به کار برده است؛ در واقع او برای مقدمه سخن، از صدای منفعل برای توصیف وضعیت موجود در قالب جمله‌های اسنادی بهره می‌برد و برای نتیجه و پیام اصلی رباعی از کاربرد افعال وجه امری استفاده می‌کند؛ یعنی عبور از پل انفعال و انگیزش مخاطب به کنش:

نیکی و بدی که در نهاد بشر است شادی و غمی که در قضا و قدر است
با چرخ مکن حواله کاندر ره عقل چرخ از تو هزار بار بیچاره‌تر است
(همان: ۱۷۰)

با باده نشین که ملک محمود این است
وز چنگ شنو که لحن داود این است
از نامده و رفته دگر یباد مکن
خوش باش که از وجود مقصود این است
(همان: ۱۰۰)

شگرد دیگری که برای نشان دادن صدای فعال متن رباعیات می‌توان دریافت، کاربرد بیشتر افعال گذراست که شاعر با فعل اول شخص گزارش می‌کند و همه اجزای جمله را بدون حذف و به‌جا به کار می‌برد:

در کارگه کوزه‌گری کردم رای در پایه چرخ دیدم استاد به‌پای
می‌کرد دلیر کوزه را دسته و سر از کله پادشاه و از پای گدای
(همان: ۱۰۰)

در میان پیام‌های رباعیات خیام که پژوهشگران طبقه‌بندی کرده‌اند — مانند دغدغه زمان و گذر توأم با رنج آن، رازناکی آفرینش و پرسش از مبدأ و معاد، پوچی زیستن در دنیا و رفتن بی بازگشت، سرخوشانه زیستن در زمان حال و فارغ‌نشستن از رنج گذشته و امید آینده (دشتی، ۱۳۵۶: ۳۰۱-۳۷۹؛ شمیسا، ۱۳۶۳: ۱۵۱-۱۵۶؛ تسلیمی، ۱۳۹۱: ۷۰) — به نظر می‌رسد ویژگی اصلی محتوایی در دنیای شاعرانه رباعیات خیام، زمان و عمر آدمی و شیوه گذران آن است که شاعر با صدای دستوری فعال، مخاطبان را به باده‌نوشی و دم‌غنیمت‌شماری و خوش‌باشی فراخوانده است.

۲-۴ وجه

یکی از ویژگی‌های فعل در زبان فارسی وجه است. تعریف وجه در منابع دستور زبان فارسی بسیار به هم نزدیک و همسان است؛ اما درباره انواع آن در کتاب‌های دستور اختلاف نظر وجود دارد. در تعریف آن نوشته‌اند: وجه یکی از صورت‌های فعل است که با آن نظر گوینده جمله درباره قطعی بودن یا احتمالی بودن یا امری بودن فعل بیان می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۵: ۵۷۳). به دیگر سخن وجه نشانگر دیدگاه شاعر یا نویسنده و شیوه نگرش او درباره گزاره‌هایی است که بیان می‌کند. با وجه می‌توان به موضع‌گیری و شیوه تلقی و پابندی سخنور در زمینه آنچه روایت می‌شود، پی برد. گاهی گوینده ناظر بی‌طرف رخداد است و رخدادها را گزارش می‌کند؛ اما زمانی نسبت به حادثه و ماجرای که روی داده است یا خواهد داد، موضع‌گیری می‌کند.

وجه در یک گفتگو و گفتمان، روابط میان سخنور و مخاطب را نمایان می‌کند و نقش بسزایی در القای معنای بینافردی و تعامل اجتماعی میان طرفین ارتباط دارد؛ همچنین راهی برای ورود به فضای جهان‌بینی و دنیای ذهنی گوینده باز کند (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۸۵-۲۸۶)

در منابع دستور زبان فارسی و سبک‌شناسی از وجه و تعداد و کاربرد آن در زبان و متون ادبی سخن گفته شده است.^۶ بیشتر منابع دستوری در کنار تعریف وجه، درباره سه گونه وجه در افعال زبان فارسی اتفاق نظر دارند: وجه اخباری، وجه التزامی، وجه امری.

فراوانی وجوه سه‌گانه فعل در رباعیات خیام بر پایه نمودار زیر به ترتیب چنین است: وجه اخباری ۶۹/۵۳ درصد، وجه امری ۲۶/۲۹ درصد، وجه التزامی ۴/۱۸ درصد.



نمودار ۴: بسامد وجه افعال در رباعیات خیام

پرکاربردترین وجه فعل در رباعیات خیام وجه اخباری است؛ شاعر با کاربرد این وجه فعل قطعی بودن وقوع فعل را به شکل مثبت یا منفی در یکی از سه زمان گذشته و حال و یا آینده بیان می‌کند:

بر سنگ زدم دوش سبوی کاشی سرمست بدم که کردم این اوباشی

با من به زبان حال می‌گفت سبو من چون تو بدم تو نیز چون من باشی

(خیام، ۱۳۷۴: ۱۲۳)

در پرده اسرار کسی را ره نیست
 زین تعبیه جان هیچ کس آگه نیست

جز در دل خاک هیچ منزلگه نیست
 می خور که چنین فسانه‌ها کوتاه نیست

(همان: ۱۴۸)

امشب پی جام یک منی خواهم کرد
 خود را به دو رطل می غنی خواهم کرد

اول سه طلاق عقل و دین خواهم داد
 پس دختر رز را به زنی خواهم کرد

(همان: ۱۶۲)

خیام با کاربرد وجه اخباری، در پی آن است تا در نگاه نخست نشان دهد که او گزارشگر است (شفایی، ۱۳۶۳: ۷۷) و در بیان خبر و رخداد بیان‌شده در متن رباعی جهت‌گیری از پیش تعیین‌شده ندارد و به نوعی در میان امر و التزام، نگرشی خنثی برگزیده است؛ اما از سوی دیگر نشان می‌دهد که آنچه گزارش می‌شود از دید گوینده و شاعر، قطعی و مسلم است و همین موضوع، مخاطب را به همسویی و همدلی با شاعر فرامی‌خواند؛ زیرا این اخبار در رباعیات او بیشتر با فعل زمان حال گزارش شده است؛ یعنی زمانی که شاعر و مخاطب در آن به سر می‌برند و لحظه گفتگوست.

دومین وجه فعلِ پرکاربرد در رباعیات خیام، وجه امری است. در وجه امری شاعر جهت‌گیری و موضع خود را مشخص می‌کند و این جهت‌گیری طیفی از امر - امر از بالا به پایین مانند سفارش، توصیه، دستور و... یا امر از پایین به بالا مانند درخواست، خواهش، دعا و... - را در بر می‌گیرد. در رباعیات خیام بخش بیشتر وجه امری، خطاب به مخاطب مفردی است که مخاطب نوعی به شمار می‌رود و در نه مورد خطاب به مخاطب جمعی است:

سنت مکن و فریضه‌ها را بگذار
 وین لقمه که داری ز کسان بازمدار

غیبت مکن و دل کسی را مازار
 در عهده آن جهان منم باده بیار

(خیام، ۱۳۷۴: ۱۰۳)

زهار مرا ز جام می قوت کنید
 وین چهره کهربا چو یاقوت کنید

چون درگذرم به می بشوید مرا
 وز چوب رزم تخته تابوت کنید

(همان: ۱۸۵)

به نظر می‌رسد خیام در کار بست وجه امری در خطاب به مخاطب جمع، به امر از پایین به بالا و حالت درخواست و خواهش از ایشان توجه دارد؛ زیرا موضوع سخن متعلق به زمانی است که شاعر در جایگاه قدرت پایین‌تری نسبت به مخاطبان قرار گرفته است و در قالب گفتاری خواهش و وصیت، از ایشان طلب وقوع فعلی می‌کند؛ اما در خطاب به مخاطب مفرد، شاعر بر این باور است که گیرنده پیام او غافل و نادان است یا تجاهل می‌کند؛ در این صورت بیشتر، طیف امر و فرمان از بالا به پایین دریافت می‌شود:

از آمدن بهار و از رفتن دی
 اوراق وجود ما همی گردد طی

می خور، مخور اندوه که گفته است حکیم
 غم‌های جهان چو زهر و تریاکش می

(همان: ۲۰۸)

کم‌کاربردترین وجه در رباعیات خیام، وجه التزامی است که برای بیان آرزو، امکان، الزام، شرط و تردید و معانی همانند آن به کار می‌رود. خیام در فضای بازنمایی شده در رباعیات، وضعیت موجود هستی را از چشم‌انداز خود شناخته و راه زیست و بودن خود را در این هستی تثبیت کرده است؛ آنچه در این دنیای شاعرانه رباعیات گزارش شده کمتر به

التزام و مفاهیم پیوسته به آن مانند شرط، آرزو، تردید و... نزدیک شده است:

از می کدوی ز گوسفندی رانی	گر دست دهد ز مغز گندم نانی
عیشی بود آن نه حد هر سلطانی	وانگه من و تو نشسته در ویرانی
(همان: ۱۱۵)	
یا این ره دور را رسیدن بودی	ای کاش که جای آرمیدن بودی
چون سبزه امید بردمیدن بودی	کاش از پی صد هزار سال از دل خاک
(همان: ۲۶۴)	

بررسی رباعی‌های خیام نشان می‌دهد که او در بیان گزاره‌ها و گفته‌های خود، قطعیت و مسلم‌بودن نظرش را باور دارد و آنها را با وجه اخباری بیان می‌کند؛ خیام در گام بعدی می‌کوشد تا آگاهی و اطلاع قطعی خود را با مخاطب در میان نهد و او را مجاب کند تا با شاعر همراه شود. او برای این منظور از کاربردهای گوناگون وجه امری بهره برده است و سرانجام چون در نقد حال زیستن را مابین با آرزوی آینده یا حسرت گذشته می‌داند، کمتر به آرزو و شرط و تردید و نظایر آن گرایش داشته است.

۳- نتیجه‌گیری

آرا و نظریه‌های مختلف و گاه متناقض پژوهشگران درباره سیمای شاعرانه خیام نیشابوری در کنار چهره ماندگار علمی او یکی از زمینه‌های پژوهش ادبی در روزگار معاصر را فراهم کرده است. نویسندگان در این گفتار کوشیدند با بررسی دستوری - سبکی فعل در جایگاه یکی از محورهای مطالعه زبان شعری، رباعیات خیام را تحلیل کنند؛ در نتیجه نتایج زیر به دست آمد:

- یکی از موضوعات محوری شعر خیام غنیمت شمردن نقد وقت و سرخوشانه در دم زیستن است. خیام برای بیان این گزاره از افعال زمان حال بهره برده است که فاصله‌ای میان گوینده و مخاطب در آن نیست؛ قطعیت بیشتری دارد و به واقع‌گرایی نزدیک است. اندیشه خیامی بر آن است که گذشته از دست رفته و بازگشت‌ناپذیر است؛ آینده نیز دور از دسترس و نامطمئن است؛ پس بهترین راه، دریافتن زمان حال و گفتن و زیستن در همین زمان است.

- در رباعیات خیام بسامد افعال مفرد از نظر شخص، بسیار درخور توجه است و این کاربرد، القای فردیت می‌کند. شاعر با مردم زمانه همسو و همراه نیست و از «من فردی» سخن می‌گوید؛ اما این من و اندیشه، من نوعی بشر است. از میان افعال مفرد، شاعر از فعل سوم شخص مفرد برای بیان یک تصویر یا گزاره موجود در جهان در جایگاه مقدمه بهره می‌گیرد و بدون درنگ با استفاده از فعل دوم شخص مفرد، گیرنده پیام را مخاطب قرار می‌دهد و به انجام کنش ترغیب می‌کند.

- افعال در رباعیات خیام بیشتر گذرا و معلوم است. اجزای جمله با ساختاری منطقی و متعارف در محور همنشینی کنار هم قرار دارد. تنها پنج ساختار شبه‌مجهول وجود دارد. شاعر از مسلم‌بودن خبرهای متن با مخاطب سخن می‌گوید و در پی آگاهانیدن و ترغیب اوست. صدای دستوری فعال در متن غلبه دارد و صداهای منفعل در مصراع‌های مقدمه رباعیات برای حرکت و خیزش در مصراع ضربه است.

– دیدگاه خیامی از وقوع یا وقوع‌ناپذیری خبری که می‌دهد مطمئن است و به همین سبب از افعال با وجه اخباری بیشتر بهره می‌برد؛ یعنی او گزارشگر است و در ابلاغ پیام به جهان‌بینی و جهت‌گیری از پیش تعیین‌شده پایبند نیست. شاعر بعد از جلب توجه مخاطب به اصل پیام، با وجه امری راهکار پیشنهادی خود را به مخاطب نوعی عرضه می‌کند که بیشتر، امر از بالا به پایین است و جنبه توصیه و فرمان دارد. کم‌کاربردترین وجه در رباعیات خیام وجه التزامی است. شاعر در حال زیستن را مابین با آرزوی آینده یا حسرت گذشته می‌داند و به همین سبب کمتر به آرزو، شرط، تردید و مانند آن گرایش دارد.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای آگاهی از آرای پژوهشگران ایرانی و انیرانی درباره اندیشه و محتوای رباعیات خیام نک: *ترانه‌های خیام* (خیام نیشابوری، ۱۳۸۳: ۱۳-۶۴).
۲. برای دیدن تعریف‌های دیگر دستورنویسان از فعل نک: *دستور تاریخی فعل* (احمدی گیوی، ۱۳۸۰: ۵۵-۵۶).
۳. برای نمونه درباره اختلاف نظر در معیار تعداد وجه فعل نک: *بررسی مقایسه‌ای شش اثر دستور زبان فارسی* (ایمانی و خسروی، ۱۳۹۵: ۱۳۷-۱۴۲).
۴. برای پرهیز از طولانی‌شدن گفتار نک: *کتاب‌شناسی دستور زبان فارسی* (افشار، ۱۳۳۳، ۱۹-۴۴)؛ *کتاب‌شناسی دستور زبان فارسی* (مهیار، ۱۳۸۱).
۵. برای آگاهی بیشتر نک: *کتاب‌شناسی عمر خیام* (انگورانی و انگورانی، ۱۳۸۱).
۶. برای آگاهی از تعریف، انواع و کاربرد وجه در منابع دستور زبان و سبک‌شناسی نک: *فرهنگ توصیفی دستور زبان فارسی* (طباطبایی، ۱۳۹۵: ۵۷۳-۵۷۹)؛ *سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روشها* (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۸۴-۲۸۹).

منابع

- ۱- احمدی گیوی، حسن (۱۳۸۰). *دستور تاریخی فعل*، جلد یک، تهران: نشر قطره.
- ۲- افشار، ایرج (۱۳۳۳). «کتاب‌شناسی دستور زبان فارسی»، *فرهنگ ایران زمین*، شماره ۲، ۱۹-۴۴.
- ۳- انگورانی، فاطمه؛ انگورانی، زهرا (۱۳۸۱). *کتاب‌شناسی عمر خیام*، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ۴- ایمانی، علی؛ خسروی، خدیجه (۱۳۹۵). *بررسی مقایسه‌ای شش اثر دستور زبان فارسی*، تهران: سخن.
- ۵- بهار، محمدتقی ملک‌الشعراء (۱۳۲۶-۱۳۲۱). *سبک‌شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی*، تهران: چاپخانه خودکار.
- ۶- تسلیمی، علی (۱۳۹۱). *رباعی‌های خیام و نظریه کیمیت زمان*، تهران: کتاب آمه.
- ۷- خطیبی، حسین (۱۳۶۶). *فن نثر*، تهران: زوار.
- ۸- خیام نیشابوری، عمر بن ابراهیم (۱۳۷۴). *بررسی انتقادی رباعیات خیام*، آرتور کریستن سن، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: توس.
- ۹- خیام نیشابوری، عمر بن ابراهیم (۱۳۸۳). *ترانه‌های خیام*، مقدمه، تصحیح و تحقیق محمدباقر نجف‌زاده بارفروش، تهران: امیرکبیر.
- ۱۰- دشتی، علی (۱۳۵۶). *دمی با خیام*، تهران: امیرکبیر، چاپ چهارم.
- ۱۱- شفایی، احمد (۱۳۶۳). *مبانی علمی دستور زبان فارسی*، بی‌جا: مؤسسه انتشارات نوین.

- ۱۲- شمیسا، سیروس (۱۳۶۳). سیر رباعی در شعر فارسی، تهران: آشتیانی.
- ۱۳- ----- (۱۳۷۲). کلیات سبک‌شناسی، تهران: فردوس.
- ۱۴- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۹). تاریخ ادبیات ایران، جلد دوم، تهران: فردوس با همکاری نشر ندا، چاپ دهم.
- ۱۵- طباطبایی، علاءالدین (۱۳۹۵). فرهنگ توصیفی دستور زبان فارسی، تهران: فرهنگ معاصر.
- ۱۶- غلامرضایی، محمد (۱۳۷۷). سبک‌شناسی شعر پارسی از رودکی تا شاملو، تهران: جامی.
- ۱۷- فتوحی، محمود (۱۳۹۱). سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روشها، تهران: سخن.
- ۱۸- فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۲). دستور مفصل امروز بر پایه زبان‌شناسی جدید، تهران: سخن.
- ۱۹- قریب، عبدالعظیم و دیگران (۱۳۷۱). دستور زبان فارسی، به کوشش امیر اشرف الکتابی، تهران: اشرفی و واژه، چاپ دهم.
- ۲۰- نائل خانلری، پرویز (۱۳۵۹). دستور زبان فارسی، تهران: توس، چاپ چهارم.
- ۲۱- ماهوتیان، شهرزاد (۱۳۸۷). دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی، ترجمه مهدی سمائی، تهران: نشر مرکز، چاپ پنجم.
- ۲۲- محجوب، محمدجعفر (۱۳۴۵). سبک خراسانی در شعر فارسی، تهران: سازمان تربیت معلم و تحقیقات تربیتی.
- ۲۳- مهیار، محمد (۱۳۸۱). کتاب‌شناسی دستور زبان فارسی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی نشر آثار.
- ۲۴- وحیدیان کامیار، تقی؛ عمرانی، غلامرضا (۱۳۸۵). دستور زبان فارسی ۱، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ هشتم.